

نقش جغرافیای تاریخی در کمک‌رسانی به مطالعات تاریخی با تأکید بر مسالک و ممالک اصطخری

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹-۱۲-۱۲

اسماعیل سپهوند^۱، غلام‌رضا رحیمیان^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹-۱۲-۱۹

چکیده

جغرافیای تاریخی، گرایشی جدید در دانش‌های امروزی است که سه نظر درباره آن وجود دارد: زیرمجموعه تاریخ است؛ زیرمجموعه جغرافیا است؛ علمی مجزا است. در رابطه با این گرایش باید چنین گفت که این علم، فراتر از جغرافیا و تاریخ است و این دو باید از این گرایش جدید به عنوان یک منبع غنی، سود لازم را از هر نظر ببرند. آثار جغرافیای تاریخی که در اسلام و ایران، در این تحقیق مورد استفاده بوده‌اند، در تمام وجوه علوم انسانی و حتی علوم طبیعی، دارای نظریه و مطالب لازم می‌باشند. در مطالعات بین رشته‌ای می‌توان به نقش بسیار مؤثر جغرافیای تاریخی در تعمیق و ژرفابخشی مطالعات تاریخی اشاره نمود. با توجه به متون جغرافیایی مسلمانان که همان جغرافیای تاریخی به سبک قدیم هستند، می‌توان با ذکر مصادیقی از متن یک اثر با عنوان مسالک و ممالک اثر اصطخری و مطالب تاریخی به کار برده شده در آن، صحت گفته‌های مذکور را تا حدود زیادی اثبات کرد.

واژه‌گان کلیدی: جغرافیای تاریخی، تاریخ، اصطخری، مسالک و ممالک.

^۱ - دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه لرستان sepahvand.esm@fh.lu.ac.ir

^۲ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه پیام نور اصفهان.

۱. مقدمه

متون جغرافیایی مسلمانان، همچون البلدان‌ها، مسالك و ممالك‌ها و ... از جمله آثاری هستند که می‌توان آنها را در حیطه جغرافیای تاریخی، البته به سبک قدیم به حساب آورد. از جمله این منابع، مسالك و ممالك، اثر ابواسحاق ابراهیم اصطخری از جغرافی‌دانان مسلمان ایرانی می‌باشد. این تحقیق که به شیوه کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد بر آن است تا با تکیه بر نظرات اصطخری در مسالك و ممالك که توسط يك مترجم گمنام در قرن پنجم هجری ترجمه شده است، موارد استفاده از متون جغرافیای تاریخی قدیمی در اسلام را در ارتباط با مطالعات تاریخی مشخص نماید. این متون در واقع تاریخ زندگی اجتماعی مردم و مکان‌های استقرار آنها را به خوبی نشان می‌دهد و شرایط آنها را در مناطق تحت نفوذ اسلام و سرزمین‌های مجاور مسلمانان، مورد بررسی قرار داده‌اند. در این رابطه، تاکنون تحقیق شایسته‌ای صورت نگرفته است و این پژوهش برای نخستین بار در این راستا اشاراتی نموده است. هدف از این پژوهش، بررسی نقش جغرافیای تاریخی در کمک‌رسانی به مطالعات تاریخی با توجه به اشارات اصطخری می‌باشد و همچنین پاسخ به این سؤال است که جغرافیای تاریخی مسلمانان چگونه می‌تواند مورد استفاده مطالعات تاریخی قرار بگیرد؟ به نظر می‌رسد که منابع جغرافیای تاریخی مسلمانان در مطالعه بسیاری از گرایش‌های امروزی تاریخ، می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد.

۲. جغرافیای تاریخی

درست است که تاریخ علم به پیشینه و تاریخ اقوام انسانی وابسته است اما این پیشینه و حوادث آن، نیازمند به مکان و متأثر از آن است. از این رو برای فهم درست و تبیین دقیق و علمی حوادث تاریخی از توجه به جغرافیای تاریخی ناگزیریم (الزویری، ۱۳۸۰، پیشگفتار، ۵). جغرافیای تاریخی از مهم‌ترین حوزه‌های علمی در بررسی و تحلیل ساختارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است (باستانی‌راد، ۱۳۸۹: ۲۵). چنانچه قائم‌مقامی اشاره دارد، جغرافیای تاریخی رشته‌ای خاص از جغرافیاست که در این رشته درباره تطورات بستر زمین بر اثر گذشت زمان و مداخلات بشر بحث می‌شود (قائم‌مقامی، ۱۳۵۱: ۱۷). اما می‌توان گفت جغرافیای تاریخی رشته یا شاخه‌ای میان رشته‌ای میان علوم تاریخ و جغرافیاست که در راستای آشنایی با تاریخ و جغرافیای مناطق مختلف تمدنی بسیار کاربردی می‌باشد و با استفاده از نتایج آن می‌توان به تغییرات جغرافیایی مناطق و نواحی مختلف و ریشه بسیاری رخدادهای تاریخی پی برد (آزاد، ۱۳۹۲: ۴۲). به طور کلی، نظر بر این است که درباره جغرافیای تاریخی، تعریف خاصی وجود ندارد ولی از گفته محققان تاریخ و جغرافیا بر می‌آید که جغرافیای تاریخی علمی است که از تأثیر محیط جغرافیایی بر وقایع تاریخی، سیر تکامل دولت‌ها و تغییرات مرزی آنها و تاریخ اکتشافات جغرافیایی بحث می‌کند (قرچانلو، ۱۳۸۵: ۸/۱)؛ زیرا مفاهیم مورد علاقه جغرافی‌دان تاریخی؛ مفاهیمی هستند که او را قادر می‌سازد تا ماهیت دگرگونی جغرافیایی بشر را درک نماید. جامعه بشری آفرینش ذهن بشر است و دگرگونی در آن نتیجه اندیشه بشری است (گلکه، ۱۳۷۹: ۵۰/۲).

در اوایل سال ۱۹۴۸ م/ ۱۳۲۷ ش، مؤسسه جغرافی‌دانان انگلیس، رشته‌های تخصصی جغرافیا را ۳۳ رشته اعلام کردند که از جمله آنها، جغرافیای تاریخی بود (شکونی، ۱۳۸۹: ۴۵-۴۴). طی اواخر سده ۱۹ م/ ۱۳ ش و آغاز سده ۲۰ م/ ۱۴ ش، در اروپا،

جغرافیای تاریخی،^۳ اصطلاحی بود که از سوی جغرافی دانان اساساً برای توصیف مطالعات مربوط به دگرگونی مرزهای سیاسی و تمامیت ارضی کشورها، استفاده می‌شد اما سپس معنای بسیار گسترده‌تری یافت. چالز پرگامنی استدلال نمود که جغرافیای تاریخی باید از گرایش محدود و دارای معنای سنتی و دقیق خود در شناسایی و تشریح دگرگونی مرزهای سیاسی دور شود و به یک عرصه معنایی جدید و فراخ در مطالعه جغرافیای انسانی گذشته وارد شود (بیکر، ۱۳۹۲: ۵۷-۵۶).

در نگاهی دیگر جغرافیای تاریخی، شعبه‌ای از جغرافیای انسانی است که در آن از تقسیم و انتقال نژادها، اختلاط ملل، زبان‌ها و تمدن‌ها گفتگو می‌شود (قائم‌مقامی، ۱۳۵۱: ۱۶). از سوی دیگر، هیچ مبنایی منطقی برای بازشناختن جغرافیای تاریخی از تاریخ وجود ندارد (گلکه، ۱۳۷۹: ۴۴/۲). جغرافیای تاریخی، شعبه‌ای از جغرافیا مانند جغرافیای سیاسی یا اقتصادی نیست؛ شناخت منطقی تاریخ، شناخت تمام و کمال پس زمینه در حال تغییر طبیعی (فیزیکی) را ایجاب می‌کند که بر آن اساس، حوادث تاریخ به وقوع پیوسته است (معیری، ۱۳۸۶: ۴۱). با این وجود می‌توان گفت کار اصلی جغرافیای تاریخی، بازسازی جغرافیای گذشته است (معیری، ۱۳۸۶: ۱۴۲).

جغرافیای تاریخی؛ ویژگی تاریخی مکان‌های خاص را برجسته می‌کند. در واقع جغرافیای تاریخی بر الگوهای جغرافیایی و فرایندهای جغرافیایی متمایز و متنوع که در مکان‌های خاص، تشخیص دادنی هستند، تأکید می‌کند و در پی آن است که مکان‌ها را درون زمینه‌های تاریخی خودشان قرار دهد (بیکر، ۱۳۹۲: ۳۴۴). البته جغرافی دانان تاریخی گمان نمی‌کردند بتوانند گذشته واقعی را بازسازی کنند. آنان چنین تشخیص می‌دادند که هر بررسی جغرافیای تاریخی شامل گزینه‌ای از واقعیت‌هاست (گلکه، ۱۳۷۹: ۲۷/۱). البته این گرایش علمی را که امروزه با عنوان جغرافیای تاریخی بر سر زبان‌ها افتاده است، می‌توان ارتباط دهنده میان مسائل مربوط به تاریخ و جغرافیا به حساب آورد. در حالی که دانش جغرافیا، مکان را مورد توجه قرار می‌دهد، توجه تاریخ به زمان است (آورزمانی، ۱۳۹۴:، پیشگفتار: ۳).

اگر تاریخ به قول کالینوود، سراسر تاریخ اندیشه است، جغرافیای تاریخی نیز سراسر، تاریخ اندیشه درباره فعالیت بشری بر روی زمین است. اندیشه مورد علاقه جغرافی دان تاریخی چیزی بیش از مفاهیم مربوط به محیط طبیعی را شامل می‌گردد (گلکه، ۱۳۷۹: ۴۴/۲). جغرافیای تاریخی علمی است که باید از دیدگاه تاریخی درک گردد (همان: ۲۴/۱).

جغرافیای تاریخی یک شهر یا ناحیه بر مبنای مندرجات کتاب‌ها و رساله‌های فارسی که تاکنون، تألیف شده است، عبارت است از: شرح موقعیت جغرافیایی آن شهر و ناحیه، احداث شهرها، آثار و بناهای تاریخی، احوال شعرا و نویسندگان و علما، قبایل و تاریخ حوادثی که در آن شهر و ناحیه رخ داده است (قائم‌مقامی: ۱۶). چنانچه ستوده اشاره دارد، برای انتخاب محلی جهت ایجاد شهر، اغلب مقتضیات جغرافیایی، مانند سواحل دریاها و دریاچه‌ها، کناره رودخانه‌ها و دامنه‌های جبالی و ... مورد توجه قرار می‌گرفت و برعکس نواحی باتلاقی و نامساعد و صحاری سوزان، جای مناسبی برای این امر نبود (ستوده، ۱۳۴۸: ۹۶).

در واقع جغرافیای تاریخی یک شهر یا یک ناحیه، شرح کلیه تغییرات و تطورات جغرافیایی آن شهر و آن ناحیه به مفهوم اعم آن در طول تاریخ است یا به عبارت دیگر در جغرافیای تاریخی، یک شهر و یک منطقه جغرافیایی از نظر تمام رشته‌های جغرافیا در

طول تاریخ مورد بحث قرار می‌گیرد و همین که به زمان حال برسد، بحث جغرافیای تاریخی پایان یافته و جغرافیای مطلق آغاز می‌شود (قائم‌مقامی: ۱۸).

وظیفه جغرافی دان تاریخی نه توصیف دگرگونی‌های فیزیکی در زمین است و نه بررسی مفاهیم جغرافیا و به معنای متداول آن، بلکه درک دگرگونی تاریخی در فعالیت جغرافیایی است (گلکه، ۱۳۷۹: ۴۵/۲). در دایرةالمعارف بریتانیکا در این باره آمده است که مفهوم جغرافیای تاریخی، شرح تغییرات عوامل جغرافیایی است در طول زمان (قائم‌مقامی: ۱۶).

۳. معرفی اصطخری

وی را پیشگام جغرافی نویسان مسلمان شمرده‌اند. از آثار او می‌توان به *مسالك و ممالك* و *صورالاقالیم* اشاره کرد. نام کامل او، ابراهیم بن محمد، ابو اسحاق کرخی (م ۳۴۶ هـ.ق) نخستین جغرافی نویسنده اسلامی، اهل شهر اصطخر فارس بود. وی در سال ۳۴۰ ق. سفر خویش را آغاز کرد و از سواحل اقیانوس اطلس تا هند را در نوردید و دو اثر گرانبها به یادگار نهاد (صدری افشار، ۱۳۴۵: ۲۵؛ تهامی، ۱۳۸۶: ۴۹۹/۱). جد او خردادبه، نخستین فرد از خاندانش بود که به دست برمکیان مسلمان شد. وی در جغرافیا، تاریخ و موسیقی استاد بود و منصب «صاحب برید»^۴ را در ری بر عهده داشته و نیز اهل علم و دانش بود (تشنر، ۱۳۷۵: ۱۵).

دانشمندان مسلمان که اواسط قرن سوم هجری می‌زیستند، اولین دسته کتاب‌های جغرافیا را در قالب «مسالك نویسی» نوشتند. کتابهای *مسالك*، در خصوص راه‌ها و فاصله‌ها و مسافت شهرها و منزلگاه‌هاست و در ضمن آن از شهرهایی که سر این راه‌ها واقع گردیده‌اند، سخن به میان آمده است و از تاریخ و ویژگی‌های آن شهرها کم و بیش، اطلاعاتی به دست می‌دهد. کتاب *المسالك و الممالك* ابن خردادبه از نخستین آثار در نخستین قرون اسلامی است (لسترنج، ۱۳۳۷: ۱۳؛ نعمتی، ۱۳۹۸: ۱) که محصول سیاحتی چهارساله است و در سال ۳۰۷ ق. فراهم آمده و باید گفت این اثر گرانبه در ثبت فرهنگ غنی اسلامی، بسیار مؤثر بوده است. اصطخری، *مسالك* اسلامی را به ۱۹ منطقه تقسیم نموده و مشخصات جغرافیایی، سوابق تاریخی و مسافت‌ها و فاصله‌های شهرهای هر منطقه را شرح داده است. علاوه بر آن، اطلاعات ارزشمندی درباره مردم چین، مغولستان و ترکان به دست می‌دهد. اصطخری تا سال ۳۴۰ ق. حیات داشته است. ترجمه کتاب *صورالاقالیم* وی توسط جی. اچ. مولر^۵ در سال ۱۲۱۸ ش در گوتها^۶ از بلاد آلمان و اصل عربی آن در سال ۱۲۴۹ ش به همت دی گوئجک^۷ در لیدن چاپ شده است. اصطخری این کتاب را بر اساس *صورالاقالیم* ابوزید بلخی نوشته است. کتاب دیگری نیز به نام *مسالك ممالك* به او منسوب می‌باشد که در سال ۱۲۴۹ ش در لیدن به چاپ رسیده است (صدری افشار: همان).

در واقع، جغرافی نویسی منظم از آغاز قرن چهارم به عرصه ظهور می‌رسد و جغرافی نویسان این قرن هر یک از *مسالك* اسلامی را به حد کفایت وصف نموده و ضمناً از راه‌های آن *مسالك* به طور کلی و جداگانه سخن به میان آورده‌اند (لسترنج، ۱۳۳۷: ۱۵). اصطخری سفرهای بسیاری کرده و ماوراءالنهر، ایران، جزیره العرب، شام و مصر را دیده بود. وی *مسالك* و *ممالك* خود را به

۴. رییس پست.

۵. j.H.Moeller

۶. Gotha

۷. de Goejc

زبان عربی نوشت و نخستین رونویس آن را در سال‌های ۳۲۱-۳۱۸ ق - زمانی که ابوزید بلخی در قید حیات بود- آماده کرد اما کتابش بویژه در شرق به صورت طومارهایی منتشر شد که بر مبنای رونویس سال ۳۴۰ ق فراهم شده بود (سپهری، ۱۳۸۴: ۳۳۶).

المسالك و الممالك نوشته ابن خردادبه، اثری گران‌بها و وزین و مرجعی برای سایر جغرافیانگاران به شمار می‌رفت. اهداف و انگیزه‌ها و اصولی که این مؤلف ایرانی در اثر خود به کار برده، طبق تقسیم‌بندی که بعدها از مکاتب صورت گرفته است؛ به مکتب جغرافیا نگاری عراق بر می‌گردد. در واقع وی پدر جغرافیا و الگوی جغرافیانگاری مکتب عراق بود. همچنین سهم عمده ای را در اشاعه افکار مکتب بلخ به او نسبت می‌دهند. با اینکه از زندگی او اطلاع چندانی در دست نیست ولی به نظر می‌رسد مسافرت‌های زیاد نموده و حاصل تجارب خود را در کتاب *مسالك و ممالك* خود آورده است (قرچانلو، ۱۳۸۵: ۳۶/۱؛ سپهوند و رشیدی، ۱۳۹۶: ۸؛ اشکوری، ۱۳۸۹: ۱۷۴).

اصطخری مانند دیگر جغرافی نویسان مکتب کلاسیک (بلخ)، فقط از توصیف جهان اسلام سخن دارد و آن را به ۲۰ اقلیم تقسیم می‌کند، اما نه به معنی خاص اقلیم - در مفهوم کمربندی که شامل تعدادی از درجات عرض است - بلکه به معنای مناطق جغرافیایی وسیع یا نواحی. به دنبال گفتگوی عمومی از ربع معمور و مساحت آن و دریاها از *جزیره العرب*، دریای فارس یا اقیانوس هند، مغرب یا اندلس و سیسیل، مصر و شام، دریای روم، جزیره و عراق، ایران جنوبی، هند، ایران مرکزی و شمالی، ارمنستان، آذربایجان و دریای خزر سخن می‌گوید و با توصیف ماوراءالنهر، کتاب را به پایان می‌برد. وی اطلاعاتی از مرزها، شهرها، مسافت‌ها و راه‌های ارتباطی به دست می‌دهد و درباره محصولات، تجارت، صناعت و اقوام و ملل توضیحات مفصل دارد. بیشتر توضیحات وی از سرزمین‌هایی است که دیده است و گاه توضیحات مختصر با اهمیتی دارد. به عنوان نمونه هرچند درباره سیسیل اندک می‌گوید، از دیدگاه آماری، بسیار پر مغز است. چنان که درباره جزیره قلال واقع در دریای مدیترانه دور از سواحل فرانسه نیز چنین است. اطلاعات اصطخری از صقلاییان کم و پراکنده است اما بی‌ارزش نیست. روایت وی از قوم خزر، مورخان را با مشکلاتی مواجه کرد (سپهری: ۳۳۷-۳۳۶).

از متن عربی *مسالك و ممالك* ترجمه‌ای در خور اهمیت به زبان فارسی در دست داریم که به احتمال قوی در قرون پنجم یا ششم هجری به زبان فارسی نقل شده است. زیرا نشانه‌های کافی بر قدمت ترجمه از سبک متن و شیوه لغات آن به دست می‌آید و هیچ تردیدی در باره کهنگی و قدمت ترجمه باقی نمی‌ماند. ترجمه فارسی کتاب اصطخری در مقام مقایسه، کاملاً موافق و مطابق نیست. در بسیاری از موارد مترجم، جملات و مطالبی را حذف و کسر کرده و در مواردی هم جمله‌ها و عباراتی بر آن افزوده است (افشار، ۱۳۴۰: مقدمه: ۱۲).

ترجمه کتاب را در يك نسخه دستنویس به خواجه نصیرالدین طوسی (متوفی ۶۷۲ ق) و در نسخه یگر به ابوالحسن محمد بن سعد بن محمد النخجوانی معروف به ابن ساوجی نسبت داده‌اند. با توجه به نثر کهن کتاب و استعمال لغات کهنه، مقایسه این ترجمه با سایر آثار خواجه نصیر، عدم اشاره مآخذ قدیم، ذیل احوال خواجه به این ترجمه باعث می‌شود که این انتساب رد شود.

ابن ساوجی نیز کاتب این ترجمه در قرن دوازدهم هجری بوده است؛ زیرا يك نسخه خطی ناقص دیگر از این ترجمه در دست است که شاید مربوط به میان سال‌های ۶۵۰ و ۷۰۰ هجری، یعنی پیش از زندگانی ابن ساوجی بوده و دیگر اینکه به دلیل اشعار سست او در منظومه *درة المعالی*، وی نمی‌تواند صاحب این ترجمه باشد (همان، مقدمه: ۱۴-۱۳).

۴. مواد تاریخی مورد اشاره در *مسالك و ممالك*

در آثار جغرافیایی مسلمانان به موارد فراوان تاریخی اشاره شده است که نشان می‌دهد آثار جغرافیایی نویسان مسلمان با اینکه موضوع تاریخی ندارند اما به نحوی منابع تاریخی را در خود دارند. اگر این آثار را در حیطه «جغرافیای تاریخی» قرار دهیم، پی به این نکته خواهیم برد که این رشته از علم، نه یک گرایش و نه یک شاخه از علوم انسانی، بلکه یک علم کامل به معنای واقعی می‌باشد. چنانچه اشارات فراوانی در این باره در آثار جغرافیایی مسلمانان دیده می‌شود که به تمامی زیرمجموعه‌های تاریخی و جغرافیایی اشاره دارند. در این پژوهش، تنها به ذکر این موارد تاریخی از یک منبع ارزشمند از این‌گونه آثار با عنوان *مسالك و ممالك* اشاره می‌شود.

ناگفته نماند که مسلمانان به دلایل عدیده از جمله، شناسایی ملل تابع خلافت و راه‌هایی که به کعبه منتهی می‌شد و سفرهای تجارتي بویژه از دوره بنی‌عباس و جهانگشایی‌ها و کنجکاوای‌های علمی به این قبیل کتب نیازمند بودند؛ چه شورها و تلاش‌ها که در این راه از سوی علمای ملل گوناگون ابراز شده است؛ به همین دلیل *مسالك و ممالك*‌ها نوشته شد و تقویم البلدان‌ها نگاشته آمد و سفرنامه‌ها (*رحله*) به رشته تحریر درآمد و همه این‌گونه‌ها ترکیبی اند از تاریخ و جغرافیای ناحیه‌ای (ودیعی، ۱۳۴۸: ۱۹۸-۱۹۷).

این منابع جغرافیایی در نویسندگان از گونه‌های عمومی تحقیق در *مسالك و ممالك* و شهرها به شمار می‌آیند اما اشارات تاریخ‌محورانه ارزشمندی در آنها وجود دارد که از نظر تاریخی می‌تواند به مورخان و محققان کمک شایانی نماید؛ لذا در این مبحث به مواردی از آنها اشاره می‌نماییم:

۴/۱- اشاره به *ممالك و اقوام*: بررسی اقوام از جمله مواردی است که همواره در تاریخ مورد توجه واقع شده است، از جمله «و روس قومی اند از نواحی بلغار و میان بلغار و میان ایشان قومی از ترکان از ترکستان منقطع شده‌اند و میان خزر و روم، مقام ساخته‌اند. ایشان را بجنه خوانند و جایگاه، ایشان را نبوده است، در قدیم به تغلب گرفته‌اند. خزر نام گروهی از ایشان است» (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۲).

۴/۲- ذکر خاندان‌های سلطنتی و قلمرو آنها: خاندان‌های سلطنتی در تاریخ که همواره در صدر امور سیاسی بوده‌اند، در جغرافیای تاریخ مسلمانان نیز اشاراتی درباره آنها موجود است؛ چنانچه اصطخری اشاره دارد: «و صفاریان کی پارس و خراسان و سیستان و کرمان به غلبه بگرفتند، ازین جایگه (سیستان) برخاستند؛ چهار برادر بودند: یعقوب و عمرو و طاهر و علی فرزندان لیث ...» (همان: ۱۹۷).

۴/۳- ذکر قلمرو اسلامی: قلمرو حکومت‌ها از جمله مباحث اساسی در تاریخ است که ذکر بعضی از این قلمروها در *مسالك و ممالك* نیز آمده است: «و مملکت اسلام بر دیگر مملکت‌ها فزونی دارد به آنچه زیادت دارد و زیادت شده

- است از جنوب و شمال و از حدود مشرق خلیجی کی از بحر محیط بردارد تا به حد چین و ماچین و خلیجی دیگر کی هم از دریای محیط بر می‌خیزد از زمین مغرب تا به زمین اندلس» (همان: ۶).
- ۴/۴- اشاره به حکام مسلمان و غیر مسلمان در ارتباطات با حاکمان مسلمان: «واسط بر دو کناره دجله نهاده است و در مسلمانی بنا کرده‌اند، حجاج بن یوسف بنا نهاده است و حصن حجان آنجاست بر جانب غربی...» (همان: ۸۳) و در روایتی که با حکام غیر مسلمان داشته‌اند: «و پادشاه ایشان [خزر] جهود است و چهارهزار مرد حاشیه دارد از مسلمان و خزری و ترسا و بت پرست، لیکن خاصگیان او جهودان باشند...» (همان: ۱۷۸).
- ۴/۵- ذکر مکان‌ها و مراسم‌های مذهبی: در تاریخ و بویژه تواریخ دینی و مذهبی همواره، مکان‌ها و آیین‌های دینی و مذهبی مورد توجه بوده است: «و مسجد خیف نزدیک میانه منی است سوی کعبه... و مزدلفه آرامگاه حاج است؛ شب آنجا باشند و نماز کنند، چون از عرفات بروند و از جمله وادی محسر و مازمین باشد» (همان: ۱۹).
- ۴/۶- ذکر دین و مذهب اقوام و شهرها: هنگام پرداختن به تاریخ اقوام و شهرهای آنها همواره این نکته مورد توجه بوده است که آنها چه دین و مذهبی داشته‌اند: «مردمان قبرس همه نصرانی باشند... مردم قم همه مذهب شیعت دارند...» (همان: ۷۳ و ۱۶۶).
- ۴/۷- ذکر دانشمندان: در پرداختن به تاریخ اجتماعی و فرهنگی این دانشمندان هستند که باید مورد بررسی قرار گیرند «و اثنیاس آن جایگاه است کی حکیمان یونان از آنجا خاسته‌اند» (همان: ۷۲).
- ۴/۸- ذکر روایات مذهبی: روایت در تاریخ به ویژه روایات مذهبی همواره مورد توجه تاریخ قرار گرفته است: «جودی کوهی است به نزدیک نصیبین، گویند کی کشتی نوح بر سر جودی بایستاد. در زیر این کوه، دهی هست؛ ثمانین خوانند. گویند کی اصحاب نوح صلوات الله علیه آنجا از کشتی بیرون آمدند و هشتاد کس بودند و آن دیه بنا کردند» (همان: ۸۰).
- ۴/۹- اشاره به آرامگاه پادشاهان و دانشمندان: اشارات در خصوص آرامگاه و قبور پادشاهان، مشاهیر، بزرگان، دانشمندان و... در متون تاریخی به روشنی دیده می‌شود و از جمله در مسالک و ممالک نیز چنین اشاراتی وجود دارد: «مداین شهری کوچک است، قدیم، سخت عظیم بوده است... و آرامگاه پادشاهان بوده است... و تربۀ محمد بن الحسن فقیه و گور علی بن حمزة الکساو المقری و هشام بن عییدالله ابراهیم الخواص و فزاری المنجم به شهر ری نهاده‌اند» (همان: ۸۶ و ۱۷۱).
- ۴/۱۰- اشاره به زبان اقوام: پرداختن به زبان اقوام در مناطق مختلف از نظر تاریخی مورد اهمیت است در مسالک و ممالک نیز در بعضی موارد اشاره شده است، چنانچه «و زبان مرم مکران، پارسی بود و مکرانی...» (همان: ۱۵۱).
- ۴/۱۱- خصوصیات اخلاقی و رفتاری مردمان: اخلاق و رفتار مردمان در تاریخ از جمله مواردی است که مورد بررسی واقع می‌شود. جغرافی‌نگاران تاریخی نیز از این نکته غافل نبوده‌اند: «حمص شهری پر نعمت و درست هوا و مردمانی باشند با جمال... و مردم گرگان مردمانی خوش طبع و با مروت باشند...» (همان: ۶۴ و ۱۷۲).

۴/۱۲- اشاره به پیامبران: تاریخ پیامبران در متون تاریخ اشاره شده است که اصطخری نیز اشاراتی در این باب دارد: «و از بیت المقدس چون بر جانب جنوب روند بر شش میل قبله‌ای آید و آنجا دهی است که آنجا را بیت‌الحم گویند و عیسی علیه‌السلام آنجا از مادر جدا شده است» (همان: ۶۱).

۴/۱۳- اشاره به شیوه حکومت اقوام تاریخی: شیوه و نوع حکومت اقوام از جمله اصول اساسی برای بررسی تاریخ می‌باشد، و باید اذعان کرد که اصطخری به عنوان یک جغرافی‌نگار تاریخی از این امر، غافل نبوده است:

«و پادشاه ایشان را خاقان خزر خوانند و ملک خزر چون این پادشاه را فراز کند و به خاقان خزری نشانند. چون خواهند کی او را بنشانند او را بیارند و پاره‌ای حریر بر گلوی او بندد تا چنان گردد کی نفسش بخوهد گسستن، آنگاه در آن حال ازو بپرسند کی این ملک چند گاه خواهی؟ گوید چندین سال، آنگاه او را رها کنند و خاقان خزر باشد. اگر چندان کی گفته باشد بگذرد و نمیرد در آن وقت او را بکشند و باید کی این خاقان از خاندان خاقانی باشد و او را هیچ فرمان نبود الا آن کی پیش او روند و او را سجده کنند و هر کس را بر او راه نباشد مگر ملک را و کسانی کی در پایه ملک داری باشند و ملک پیش او نرود الا وقتی که کاری عظیم پیش آید و چون پیش او رود سجده کند و روی در خاک مالد تا آنگاه کی او را فرمان دهد کی پیش خاقان شود و با او سخن گوید و چون کاری بزرگ افتد کی بدان درمانند، خاقان خزر را برون آرند» (همان: ۱۸۱-۱۸۰).

۴/۱۴- ذکر آثار تاریخی: آثار تاریخی از جمله از نظر تمدنی بسیار مورد اهمیت می‌باشند؛ زیرا این نوع آثار از قدرت مادی و معنوی حکام گذشته خبر می‌دهند و تا حدود بسیاری باعث کشف واقعیت‌هایی از حکومت‌های گذشته می‌شوند: «کوه بیستون همچنین بلند است و دشوار و روی کوه پنداری تراشیده‌اند و درین کوه چند مرد بالای آن است کی تراشیده‌اند و ساده کرده و گویند پادشاهی بوده است و خواست کی این کوه را کوشکی سازد تا قدرت و پادشاهی او مردم را معلوم شود» (همان: ۱۹۷).

۴/۱۵- اشاره به مبادلات و پول رایج و اوزان مناطق: از نظر فرهنگی بررسی مواردی مانند اوزان و مبادلات تجاری که با سکه، انجام می‌گرفته است، اهمیت دارد که در مبحث تاریخ اقتصادی به آن توجه شده است: «نقد طبرستان دینار و درم بود و من سنگ آنجا ۶۰۰ درم باشد» (همان: ۱۷۳).

۵. نتیجه‌گیری

جغرافیای تاریخی از جمله گرایش‌های جدید علمی است که با ذکر مطالب فراوان تاریخی، منبعی غنی برای مطالعات تمامی گرایش‌های علوم تاریخی می‌باشد. این گرایش از علم را می‌توان در راستای تاریخ به کار گرفت. در واقع می‌توان بسیاری از موضوعات تاریخی را در زیر مجموعه این علم کلی که تا حد یک فلسفه علمی می‌باشد، به حساب آورد؛ زیرا مواد تاریخی به کار رفته در این علم در بردارنده علوم انسانی یا به نوعی علوم روحی مورد نیاز محققان تاریخ می‌باشد. واقعیت این است که در همان قرون نخستین اسلامی جغرافی‌نویسان مسلمان با اشارات تاریخی ارزشمند، بسیاری از نکات و ابهامات تاریخی را با خلق آثار خویش آشکار نموده‌اند. از جمله منابعی که در حیطه این گرایش به رشته تحریر درآمده‌اند، می‌توان به منابع جغرافیایی مسلمانان همانند مسالک و ممالک‌ها، البلدان‌ها و ... اشاره کرد که با توجه به محدوده علوم تاریخی، مباحث بسیاری را در

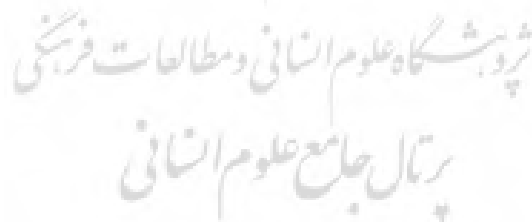
قلمرو این علم عرضه نموده است. نکته قابل توجه این است که جغرافی نویسان مسلمان به حوادث، مکان‌ها، پادشاهان و وقایع تاریخی اشاره کرده و مصداق‌های این علم را در منابع خویش آورده‌اند. بدین جهت است که از این آثار می‌توان با عنوان جغرافیای تاریخی البته به سبک قدیم اشاره کرد.

منابع و مأخذ

کتاب‌ها:

- آوزرمانی، فریدون؛ (۱۳۹۴). جغرافیای تاریخی ایران زمین، تهران: پازینه.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم؛ (۱۳۴۰). مسالک و ممالک به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بیکر، الن. اچ؛ (۱۳۹۲). جغرافیا و تاریخ؛ پیوند مرزها، ترجمه مرتضی گودرزی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- تشنر، فرانتس گوستاو؛ (۱۳۷۵). تاریخچه جغرافیا در تمدن اسلامی، ترجمه محمدحسن گنجی و عبدالحسین آذرنگ، تهران: بنیاد دائرالمعارف اسلامی.
- تهامی، سیدغلامرضا؛ (۱۳۸۶). فرهنگ اعلام تاریخ اسلام، جلد اول، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم.
- سپهری، محمد؛ (۱۳۸۴). متون تاریخی و جغرافیایی به فارسی، تهران: سمت.
- شکوئی، حسین؛ (۱۳۸۹). جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی، مشهد: به‌نشر، چاپ هشتم.
- صدری افشار، غلامحسین؛ (۱۳۴۵). تاریخ در ایران؛ شرح احوال و معرفی آثار مورخان و جغرافی دانان ایران، تهران: ابن‌سینا.
- قرچانلو، حسین؛ (۱۳۸۵). جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، جلد یکم، تهران: سمت، چاپ دوم.
- قشقلندی، احمد بن علی (۱۳۸۰). صبح‌الاعشی فی صناعة الانشاء؛ جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه محبوب الوزیری، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- لسترنج، گی؛ (۱۳۳۷). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مقاله‌ها
- آزاد، حمید؛ (۱۳۹۲). «جغرافیای تاریخی منطقه قفقاز»، فصلنامه تاریخنامه خوارزمی، سال اول، شماره دوم، زمستان، صص ۴۱-۷۲.
- اشکواری، محمدجعفر؛ (۱۳۸۹). «نقدی بر مکتب جغرافیانگاری عراق؛ بررسی موردی ابن‌خردادبه، یعقوبی و ابن‌رسته»، فصلنامه تاریخ اسلام، سال ۱۱، شماره ۳ و ۴، شماره مسلسل ۶۵، پاییز و زمستان، ۲۰۱-۱۷۳.
- باستانی‌راد، حسن؛ (۱۳۸۹). «آموزش و پژوهش میان رشته‌ای در جغرافیای تاریخی»، پژوهشنامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ، سال ۱، شماره ۴، تابستان، صص ۲۵-۴۷.
- سپهوند، اسماعیل و طاهره رشیدی‌زاده؛ (۱۳۹۶). «بررسی و مقایسه رویکردهای ابن‌خردادبه و یعقوبی به جغرافیای تاریخی ایران‌شهر و قوم آریا»، فصلنامه پارسوا، سال ۱۶، شماره ۱، بهار، صص ۳۶-۸.

- _ ستوده، حسینقلی؛ (۱۳۴۸). «جغرافیای تاریخی قزوین»، بررسی‌های تاریخی، شماره ۴، سال ۴، شماره مسلسل ۲۲، مهر-آبان، صص ۹۶-۱۳۲.
- _ قائم‌مقامی، جهانگیر؛ (۱۳۵۱). «بحثی درباره‌ی مفهوم جغرافیای تاریخی»، بررسی‌های تاریخی، سال ۷، شماره ۳، شماره مسلسل ۴۰، مرداد-شهریور، صص ۱۵-۲۲.
- _ گلکه، لیونار؛ (۱۳۷۹). «مبانی نظری جغرافیای تاریخی»، بخش دوم، ترجمه محمدجعفر جباری، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، فروردین، صص ۲۴-۳۸.
- _ گلکه، لیونار؛ (۱۳۷۹). «مبانی نظری جغرافیای تاریخی؛ درک تاریخی در جغرافیا یک رویکرد آرمانگرا»، بخش دوم، ترجمه محمدجعفر جباری، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، اردیبهشت، صص ۴۲-۵۲.
- _ معیری، هایده؛ (۱۳۸۶). «جغرافیا به مثابه‌ی یک سند تاریخی»، بیک نور، سال ۵، شماره ۱۸، تابستان، صص ۱۳۷-۱۵۶.
- _ نعمتی، محمدعلی؛ (۱۳۹۸). «شگفتی‌هایی در مورد ماهی در کتاب المسالك و الممالك ابن خردادبه»، هفتمین کنفرانس ملی ماهی‌شناسی ایران، خرم‌آباد، دانشگاه لرستان، هشتم و نهم آبان‌ماه، صص ۷-۱.
- _ ودیعی، کاظم؛ (۱۳۴۸). «رابطه‌ی جغرافیا با تاریخ»، بررسی‌های تاریخی، سال ۴، شماره ۱، شماره مسلسل، فروردین-اردیبهشت، صص ۱۹۱-۲۰۰.



The Role of Historical Geography in contributing to Historical Studies: A Case Study of

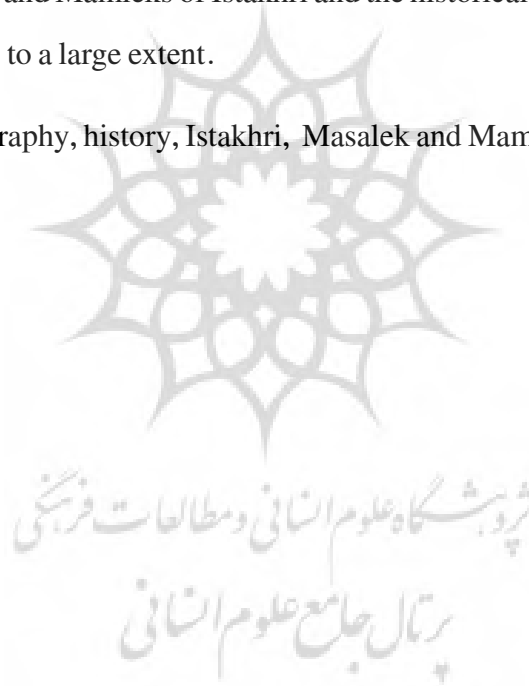
MASALIK VA MAMALIK ESTAKHRI

Esmail Sepahvand^۸ Gholamreza Rahimian^۹

Abstract

Historical geography is the name of a new trend in science about which there are three theories; It is a subset of history, a subset of geography and a separate science. Regarding this new scientific trend, it should be said that this is not the case, and this science is beyond geography, and these two should benefit from this new trend as a rich resource. In interdisciplinary studies, the role of historical geography in the use of historical studies can be mentioned. According to the geographical texts of Muslims, which are the same historical geography in the old style, by quoting examples from the text of a work entitled Masalek and Mamleks of Istakhri and the historical materials used in it, proved the truth of the said statements to a large extent.

Keywords: historical geography, history, Istakhri, Masalek and Mamleks.



^۸ -- PH.D Student of History of Iran after Islam, lorestan university. sepahvand.esm@fh.lu.ac.ir

^۹ - MA of History of Iran after Islam from Esfahan'payamnoor university